



آداب لباس در سفرنامه‌ها

مطالعه پوشش و پوشاک اقوام ایرانی نشان می‌دهد جغرافیا و مکان نقش مهمی در انتخاب نوع لباس و رنگ آن دارد. در واقع، هم‌زیستی و مجاورت با دیگر فرهنگ‌ها موجب سنخیت فرهنگی در نوع پوشاک است. پوشاک به عنوان یکی از دغدغه‌های بشری از دیربگی و سابقه تاریخی برخوردار است. بخش عمده‌ای از فرهنگ ملل و تمدن‌ها در پوشاک و نوع پوشش آن‌ها تجلی می‌یابد و همواره ساختارهای فرهنگی موجب شده‌اند پوشاک از تنوع گوناگونی برخوردار باشد.

مطالعه و بررسی سفرنامه‌ها نشان می‌دهد پوشش و حجاب زنان از دید سیاحان دور نبوده است و جهان‌گردانی چون دلاواله، شاردن، سانسون، تارونیه و اولتاریوس در نوشته‌های خود به طور پراکنده به پوشاک زنان ایرانی پرداخته‌اند. هانری رنه دالمانی، سیاح و جهانگرد فرانسوی که در روزگار قاجار به خراسان سفر کرده است، در توصیف پوشاک زنان کرد قوچان در نوشته‌ای کوتاه آن‌ها را «سرخ پوش و روباز» خوانده است. پیتر دلاواله، نویسنده، شرق‌شناس و جهانگرد ایتالیایی، در سفرنامه‌اش لباس زنان دوره صفوی را بسیار ساده می‌داند، لباسی تنگ‌تر از لباس ترک‌ها یا دامنی کوتاه که چندان جلوه‌ای ندارد. ژان شاردن، سیاح فرانسوی که مقارن صفویه به ایران مسافرت کرده، راجع به پوشش زنان بیرون از خانه مطالبی را نوشته است: زنان با چادر سفید سراسر اندام خود را از سر

از فرهنگ پوشش دیروز تا سبک پوشش امروز

روزی روزگاری به وسعت پهنه جغرافیای ایران، از شمال تا جنوب و غرب تا شرق را اقوامی زندگی می‌کردند که هر کدام ملبس به پوششی خاص زیست بومشان بودند، اما امروز از آن تنوع فرم پوشش خبری نیست و تنها برخی از اقوام به پوشاک سنتی‌شان وفادار مانده‌اند و باقی پوشاک محلی یا به داخل ویرین موزه‌ها رفته‌اند یا برای برخی مراسم و جشن‌ها استفاده می‌شوند. چه بر سر پوشش ایرانیان آمده است؟ پوشاک به عنوان نیاز ابتدایی بشر بود که همگام با رشد اجتماعی از سطح یک نیاز به بخشی از فرهنگ جوامع تبدیل شد و با هنر عجین گشت. چنین شد که پوشاک بخشی از شناسنامه ملی مردمان شد. تاریخ گواه آن است که ایران و ایرانی عمری به قدمت اولین تمدن‌ها دارند و آنجا که داریوش هخامنشی برای مردمانش لباسی فاخر برگزید، زیبایی و پوشاندگی مشخصه جامعه‌ای برای ایرانیان شد. در این میان، زن ایران باستان برای کمال خویش و ارج نهادن به مقام زن، چادری مستطیلی بر سر نهاد و این رسم ادامه پیدا کرد.

شبیه لباس اعراب و کلدانی‌ها بوده است اما وجه تمایز و مایه زیبایی پوشش آن‌ها چادرهای سبز و زرد آن‌هاست.

هرچند برای مطالعه تاریخ و نوع پوشاک منابع مختلفی وجود دارد، علاوه بر منابع مکتوب، بخشی از خرده فرهنگ‌ها نیز به پوشاک اختصاص دارند. بررسی باورها و آیین‌ها نشان می‌دهد از قدیم اعتقادات مردم در دوخت و دوز و خیاطی وجود داشته است و در بیشتر نقاط ایران باورهایی در این زمینه رواج دارد. برای نمونه، مرحوم ابراهیم شکورزاده در کتاب «عقاید و رسوم مردم خراسان» می‌نویسد زنان خراسانی یک قیچی از بند قنداق نوزاد دختر می‌اویزند تا در بزرگسالی در هنر خیاطی و دوخت و دوز مهارت یابد. یا در خراسان، سیرجان و بسیاری از نقاط دیگر، مردم عقیده دارند هر کس در روز عید غدیر خیاطی کند، انگشتش عقربک می‌زند. هم‌چنین در برخی مناطق دوخت و دوز در روز عاشورا را نامیمن می‌دانند و در بیرجند و کرمان مردم معتقدند اگر در روز عید قربان رختی بدوزند، خار به پای حاجیان خواهد رفت. بررسی این گونه خرده فرهنگ‌ها حکایت از آن دارد که در طول تاریخ، پوشاک نزد مردم اهمیت داشته است، به شکلی، باورهایی در زندگی روزمره مردم درباره آن جریان دارد و همواره بخش مهمی از فرهنگ شفاهی مناطق ایران در پوشاک و نحوه دوخت و دوز و... بازتاب یافته است.

سال‌های اخیر در جامعه شکل گرفته که در نهایت بی‌هویتی است. نه رنگ و بویی از پوشش زن ایرانی دارد، نه شبیه آن چیزی است که یک زن با شخصیت اروپایی بر تن می‌کند. بانوان زیادی در جامعه ما لباسی بر تن می‌کنند که تمام شخصیت یک زن ایرانی را زیر سؤال می‌برد. روزگاری لباس منزلت فرد و مرتبه افراد را نمایان می‌ساخت اما امروز همه به دنبال تقلید از سبکی بی‌ریشه در پوشاک هستند و غافل از آنکه تیشه به ریشه هویت ایرانی می‌زنند. زنانی که مادران فرزندان هستند که آینده کشور در دستشان است اما افسوس گویی در یک ناآگاهی عمیق فرو رفته‌اند.

جوانان و نوجوانان نیز به دنبال الگوبرداری و آرمان‌گرایی، از الگوهای نامناسب تقلید می‌کنند. بخشی از این غفلت

آشنیه
۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱
شماره ۱۴۴۴ ۳۶۵۱

(۳)

(براندخت)



غلامرضا آذری، خاکستر
کارشناس و پژوهشگر تاریخ

(نگار)



زهره زمانی
کارشناس ارشد هنر

سهم تولیدکنندگان است و بخشی دیگر در باورهای مردم نهفته است. تاریخ پوشاک در جنگ فرهنگ‌زدایی گم شده است و مسئله اصلی شاید چیز دیگری است. همان‌طور که ذکر شد، پوشاک بخشی از فرهنگ است و فرهنگ نیز همواره متأثر از مسائل دیگر اجتماع همچون اقتصاد و... در واقع، فرهنگ روبنایی و بازتابی از مسائلی دیگر است. فرهنگ پوشش نیز بی‌شک بی‌تأثیر از شرایط حاکم بر جامعه نیست. نوعی واکنش به همه فشارهایی که از سمت اجتماع بر فرد تحمیل می‌شود.

